

فهرست مطالب

توضیح ناشر	نه
مقدمه مؤلف	یازده
فصل اول. موقعیت جغرافیایی عربستان و اوضاع اجتماعی - سیاسی آن پیش از اسلام	۱
تقسیمات جغرافیایی ۵، منطقه جنوبی و دولت های آن ۹، سقوط سبائیان و روی کار آمدن جمیریان ۱۲، حکومت های شمال شبه جزیره ۱۹، بالمیرا بجای پترا ۲۲، تدمر ۲۲، دگرگونی در جنوب ۲۳، عَسَانیان ۲۳، لَحْمیان ۲۴، بیابان نشینان ۲۶، دین و اعتقادات ۳۱، قانون و دین در مکه ۳۴، مرکزیت یافتن مکه ۳۴.	
فصل دوم. ظهور اسلام	۳۹
کودکی و جوانی رسول اکرم (ص) ۳۹، جنگ فِجار ۴۰، حَلْفُ الْقُضُول ۴۱، زناشویی با خدیجه ۴۲، نصب حَجْرِ الْأَسْوَد ۴۲، رسالت ۴۳، ظهور اسلام ۴۳، اسلام آوردن حمزه ۵۲، کارشکنی های بی نتیجه ۵۳، هجرت به حبشه ۵۴، اسلام آوردن عُمَر ۵۵، طرح محاصره بنی هاشم ۵۶، مرگ ابوطالب و خدیجه ۵۷، اسلام در مدینه ۵۸، توطئه دَارُ النَّدْوَةِ ۶۲، پیغمبر (ص) در مدینه ۶۳، نخستین پیمان نامه عمومی در اسلام ۶۷، برادری مهاجران و انصار ۷۰، حکومت بر اساس دین ۷۱، منافقان و یهودیان ۷۱، تغییر قبله ۷۳.	

فصل سوم. آغاز درگیری‌ها

۷۷

درگیری با مکه ۷۷، جنگ بدر ۸۰، درگیری با یهود ۸۴، جنگ اُحد ۸۶، توطنه‌گران ۸۹، سرینه ابوسلمه ۸۹، حادثه رجیع و بئر معونه ۸۹، کوچاندن یهودیان بنی‌نضیر ۹۱، جنگ با غطفان ۹۱، جنگ خندق ۹۲، فتح آشکار یا صلح حدیبیه ۹۷، جنگ خیبر ۹۸، زیارت خانه خدا ۹۸، جنگ مؤته ۹۹، فتح مکه ۹۹، نبرد حنین ۱۰۲، جنگ تبوک ۱۰۴، وحدت عربستان ۱۰۴، پیغمبران دروغی ۱۰۵، واپسین حج پیغمبر (ص) ۱۱۰، مرگ پیغمبر (ص) ۱۱۱.

فصل چهارم. خلافت پس از پیغمبر (ص)

۱۱۳

خلافت ابوبکر ۱۱۳، آغاز مشکلات ۱۱۵، ازدین برگشتگان ۱۱۷، اسلام در ایران ۱۲۰، پیشروی در شمال و غرب ۱۳۰، علل پیروزی ۱۳۱، فتح مصر ۱۳۳، گسترش پیروزی‌ها و پیدایش دشواری‌ها ۱۳۴، خلافت عثمان ۱۳۹، آزمایش مقام ۱۴۲، آزمایش مال ۱۴۴، خلافت علی (ع) ۱۵۰.

فصل پنجم. حوزه اسلامی پس از شهادت علی (ع)

۱۵۵

براستی خوارج چه می‌خواستند؟ ۱۵۵، عکس‌العمل شهادت علی (ع) ۱۶۲، سازمان‌های سیاسی و مذهبی در عراق ۱۶۳، عثمانیان ۱۶۴، شیعه ۱۶۴، خوارج ۱۶۶، سودجویان ۱۶۶، منطقه شرقی ۱۶۸، کوفه پس از شهادت علی (ع) ۱۶۸، آشتی‌نامه ۱۷۱.

فصل ششم. امویان

۱۷۷

حکومت معاویه ۱۷۷، معاویه و عراقیان ۱۷۸، سیاست معاویه در کشورداری ۱۸۰، برادرخواندگی زیاد از سوی معاویه ۱۸۳، زیاد در کوفه ۱۸۵، ولایت‌عهدی یزید ۱۸۶، سختگیری معاویه بر شیعیان علی (ع) ۱۸۹، خفقان و وحشت ۱۹۰، کشورگشایی‌های معاویه ۱۹۱، مرگ معاویه ۱۹۲، خلافت یزید ۱۹۳، امام حسین (ع) و بیعت خواستن از او ۱۹۳، وضع ایالت‌های عربستان ۱۹۵، عراق ۱۹۵، نامه‌نگاری عراقیان ۱۹۷،

حرکت حسین (ع) به عراق ۱۹۸، فاجعه کربلا و اثرات آن ۱۹۹، خرابی خانه کعبه ۲۰۴، پشیمانان عراق ۲۰۵، مختار پسر ابوعبیده ثقفی ۲۰۶.

۲۱۵

فصل هفتم. مروانیان

حجاج در کوفه ۲۱۹، ولید بن عبدالملک ۲۲۶، سلیمان بن عبدالملک ۲۲۹، عمر بن عبدالعزیز ۲۳۰، مشکل موالی و حل آن بوسیله عمر بن عبدالعزیز ۲۳۰، یزید بن عبدالملک ۲۳۳، هشام بن عبدالملک ۲۳۴، ولید دوم ۲۳۷، تحلیلی از حکومت امویان ۲۴۱، وضع زیان در کشورهای فتح‌شده ۲۴۳، نحله‌ها ۲۴۵، اسلام در سرزمین‌های فتح‌شده در دوره امویان ۲۴۷، علوم در عصر مورد بحث ۲۴۸، شعر و ادبیات تا پایان دوره امویان ۲۴۹، نثر عربی ۲۵۶، معماری و دیگر صنعت‌ها ۲۵۷.

۲۵۹

فصل هشتم. سقوط امویان و به قدرت رسیدن عباسیان

موالی و قیام آنان ۲۶۱، استبداد امویان ۲۶۳، ابومسلم و دیداری شدن او ۲۶۶، سیاه پوشیدن ابومسلم و پیروان او ۲۶۹، خلافت سفاح ۲۷۱، کشته شدن ابوسلمه خلال ۲۷۴، حادثه‌های دوره سفاح ۲۷۵، خلافت منصور ۲۷۷، کشته شدن ابومسلم ۲۷۷، ساختن بغداد ۲۸۱، پی‌آمدهای کشته شدن ابومسلم و حادثه‌های دوره خلافت منصور ۲۸۱، امام صادق (ع) و علت نپذیرفتن خلافت ۲۸۳، قیام حسنین ۲۸۴، خلافت مهدی (عج) ۱۵۸-۱۶۹ هـ) ۲۸۸، مفتح و قیام او ۲۹۰، کشتار زندیقان ۲۹۱، خروج حسین بن علی بن حسن بن حسن بن حسن ۲۹۲، هارون الرشید ۲۹۳، آشوب‌های محلی ۲۹۴، برانداختن برمکیان ۲۹۵، امام موسی الکاظم (ع) ۲۹۸، ولایت‌عهدی امین ۳۰۱، مأمون و حادثه‌های عصر وی ۳۰۳، امام علی بن موسی الرضا (ع) ۳۰۵، رواج گرایش‌های فکری ۳۱۲، معتزلیان و قدرت گرفتن آنان ۳۱۳، خلافت معتصم ۳۱۵، قیام زط ۳۱۷، خرم‌دینان که بودند ۳۲۰، مازیار و قیام او ۳۲۰، هجوم رومیان به سرزمین‌های اسلامی ۳۲۱، فتح عموره ۳۲۱، ساختن سامرا ۳۲۴، امام

فصل اول

موقعیت جغرافیایی عربستان و اوضاع اجتماعی - سیاسی آن پیش از اسلام

عربستان یا شبه جزیره عربستان سرزمینی است در منتهی الیه جنوب غربی آسیا به شکل مربع مستطیل با ضلع های نامتساوی که بین ۱۲ و ۳۲ درجه عرض شمالی و ۳۵ و ۶۰ درجه طول شرقی میان افریقا و قسمت بزرگی از آسیا قرار گرفته است. مساحت این سرزمین به دو میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربع می رسد^۱. عربستان از شمال به کشورهای اردن و عراق، از شرق به خلیج فارس و دریای عمان و دریای عرب، از جنوب به خلیج عدن و از سوی مغرب به دریای سرخ محدود است. چنان که می بینیم سرزمین عربستان از سه جانب به دریا پیوسته و این سه جانب را پنج دریا^۲ فرا گرفته است، و تنها از سمت شمال است که به خشکی منتهی می شود. با این همه درون این سرزمین از آب که مایه زندگانی هر جاننداری است^۳ بهره چندانی ندارد. در سراسر این منطقه گسترده

۱. در بعض کتاب های تاریخی و جغرافیایی مساحت شبه جزیره را سه میلیون و ششصد هزار کیلومتر نوشته اند و این در سورنی است که سرزمین های اردن، سوریه، لبنان و فلسطین نیز بدان افزوده شود.
۲. به ترتیب از جانب شرق به غرب، خلیج فارس، دریای عمان، دریای عرب، دریای سرخ و دریای متوسط که فلسطین، لبنان و سوریه در کنار این دریا قرار دارد.
۳. وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (انبیاء: ۳۰).

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائقنا الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائقنا الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائقنا الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

رودخانه‌ای که وسیله حمل و نقل باشد، یافت نمی‌شود. تنها رودی که در آن جریان دارد در وادی حَجْر (در یمن) است، که درازای آن از یکصد کیلومتر بیشتر نیست.

رشته کوه‌های بلندی که از شبه جزیره سینا آغاز و در امتداد دریای سرخ تا خلیج فارس کشیده می‌شود، همچون دیواری بلند آن را فرا گرفته است. در خلال این کوه‌ها دره‌های کوچک و بزرگی وجود دارد که عرب آن را وادی می‌گوید. مهم‌ترین این وادی‌ها، سِرْحان، رومه، دَواسر، و حَضْرَمَوْت است. روزگاران پیش از اسلام بعض این وادی‌ها (مانند سِرْحان) راه تجارتی بوده است. سراسر ساحل دریاهای اطراف آن - جز در چند منطقه - پر از اسفنج‌ها و مانع‌های طبیعی است که کشتی نمی‌تواند در آن پهلو بگیرد. اگر از کوه‌هایی که همچون باروی استوار گرد عربستان را فرا گرفته است، بگذرید و به درون سرزمین برسید به مانع‌های دیگری بر خواهید خورد، چنان‌که در شمال آن بادیة الشام است که از حدود فلسطین تا جنوب غربی عراق کشیده است، و در جنوب آن بیابان، بیابان وسیع دیگری است بنام نفود که هفتاد هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و از شن نرم پوشیده است. وزش باد توده‌های شن را از این سو به آن سو می‌برد و ایجاد راه را - در دنیای قدیم - ناممکن می‌ساخت. از جنوب به سمت شرق این شبه جزیره بیابان دیگری است بنام اَلرَّبِيعُ الخالی^۱ که تا امروز همچنان خالی است. وسعت این بیابان به پانصد هزار کیلومتر مربع می‌رسد و می‌توان گفت پهناورترین بیابان‌های خشک و خالی جهان است. بین الربیع الخالی و نفود بیابان دیگری است بنام دَهْناء که آن هم از ریگ روان پوشیده است و بخاطر همین مانع‌های طبیعی هزاران سال شبه جزیره عربستان در خاموشی و گمنامی به سر می‌برد. بدون تردید اگر دین اسلام در این سرزمین پدید نمی‌آمد، و از آن‌جا به دیگر سرزمین‌های جهان نمی‌رفت عربستان همچنان در انزوا به سر می‌بزد، و یا این‌که توجه چندانی بدان نمی‌شد. باین همه نباید پنداشت که پیش از اسلام در این منطقه از آبادانی و تمدن نشانی نبوده است. چنان‌که خواهیم نوشت قسمت مستعد آن (جنوب) آبادان بود و دولت‌هایی در آن‌جا تأسیس شده است. همچنین در دیگر قسمت‌ها نیز تمدن‌هایی (هرچند بصورت ناقص) وجود داشته است.

ساکنان این سرزمین را عرب می‌نامند. در این‌که معنی عرب چیست و از چه زمان آن

مردم را بدین نام نامیده‌اند و این مردم از کجا بدین سرزمین آمده‌اند هنوز میان نژادشناسان اختلاف است. بعضی داستان‌های پیش از اسلام که پس از اسلام گرد آمده و به نام تاریخ معروف شده است، گوید چون نام نیای آن مردم یَعْرَبُ بن قَحْطان بوده است، فرزندان او عرب نام گرفته‌اند. ابن ندیم بغدادی دانشمند سده چهارم هجری که اثر برارزش او به نام الفهرست در دست است، از نوشته ابن ابی سعد، آرد:

چون ابراهیم (ع) به فرزندان اسماعیل که با دایی‌های خود جَزْهُم بودند نگریست، از اسماعیل پرسید:

- اینان چه کسانی هستند؟

- فرزندان من و دایی‌های آنان از جَزْهُم.

ابراهیم (ع) به زبانی که بدان سخن می‌گفت - سربانی قدیم - گفت: «أَعْرَبُ لَهُ؟» آنان را با هم بیامیز^۱. در کتیبه‌هایی که از پادشاه آشوری شَلْمَنْصَر سوم (۸۵۹-۸۲۴ ق م) باقی مانده و شرح نبردهای این پادشاه در بادیة الشام است کلمه عرب دیده می‌شود^۲. بعضی اسلام‌شناسان معاصر غربی اشتقاق این کلمه را از واژه‌ای گرفته‌اند که معنی حرکت و عبور می‌دهد^۳. چون پاره‌ای از این وجه اشتقاق‌ها براساس حدس و یا ناشی از تعصب است و بعضی نیز هنوز مورد قبول محققان قرار نگرفته، از نوشتن آن صرف نظر می‌شود. آنچه مسلم است این‌که واژه عرب در قرآن کریم به همه مردمی که در شبه جزیره عربستان به سر می‌برده‌اند گفته شده. گویند واژه عرب مخصوص شهرنشین است و پهبان‌نشینان اعراب نام دارند؛ یکی عرب عَرَبی و یکی اعراب اعرابی است.

قرن‌ها پیش از اسلام مردم ساکن شبه جزیره به دو دسته تقسیم می‌شده‌اند، عرب هاربه یا عرب خالص، عرب مُسْتَعْرَبه یا عرب ناخالص، یا عرب پیوسته. ساکنان منطقه جنوبی عربستان برابر نسب‌نامه‌ای که درست کرده بودند، نژاد خود را به یَعْرَب پسر قَحْطان می‌رساندند و قَحْطان را فرزند پنجم نوح می‌شناساندند. حالی که قبیله‌های ساکن مرکز و قسمت شمالی شبه جزیره خود را از نژاد عدنان می‌شناساندند که نواده اسماعیل (ع) است. مورخان قدیم قحطانیان را عرب خالص و عدنانیان را مستعرب، یا عرب پیوسته خوانده‌اند^۴.

۱. الفهرست، چاپ تجدد، ص ۸

۲. دائرة المعارف مصاحب، ذیل کلمه عرب.

۳. مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۰۰، الفهرست، ص ۸

۴. ساندروز، ص ۳.

۱. بعضی این ترکیب را به فتح می‌خوانند، لیکن درست نیست. این ترکیب معادل واژه انگلیسی Empty Quarter است. ظاهراً نام آن در قدیم «رَمْلَه» بوده است.